



•دوشنبه ۸ بهمن ۱۳۹۷ •شماره ۱۲۴۷

حدیث روز

امام موسی کاظم(ع): مصیبت برای شکیباییکی استوبرای ناشکیبادوتا.

تحفالعقول

ذکر روز دوشنبه

صد مرتبه «یا قاضی الحاجات»

در محضر بزرگان

استغفار، چروک هارا باز می کند

مرحوم میرزا اسماعیل دولابی فرموده است:

هر وقت غصه دار شدید، برای خودتان و برای همه مؤمنین و مؤمنات از زنده ها و مرده ها و آن هایی که بعدا خواهند آمد، استغفار کنید. غصه دار که می شوید، گویا بدن تان چین می خورد و استغفار که می کنید، این چین ها باز می شود.

خبرگزاری شبستان

حکایت

آدم بله

بهلول را گفتند: آدم بله کیست؟ گفت: آدم بله آن است که به کار همه می آید جز به کار خود!

حکایت های بهلول دانا

بریده کتاب

چشم، دروازه روح

من عمر را با نگاه کردن در چشم مردم گذرانده ام. چشم تنها جای بدن است که شاید هنوز روحی در آن باقی باشد.

«کوری»

ژوزه ساراماگو

سخن بزرگان

«انسان خوشبخت آن کسی است که حوادث را با تبسم و اندک دقت به علت وقوع آن، تلقی و قبول کند. مترلینگ
«ارزش هر چیز آن مقدار از عمر ماست که برای آن اکنون یا بعدها تقدیم می کنیم.
هنری ترو
«هرگز به احساساتی که در اولین برخورد از کسی پیدا می کنید، نسنجیده اعتماد نکنید.

آناتول فرانس
برگرفته از کتاب «رهنمون»
تالیف غلامحسین ذوالفقاری

قرار مدار



اندکی صبر

شال گردن

اکرم جوزی زاده

دل‌تنگت که می شوم
هر بار یک‌رح می‌بافم
زیرورو، دل‌تنگی را
من لابه‌لای این‌رح‌ها
غم‌هایم را...
بافته‌ام
این شال به پایان می‌رسد
اما این دل‌تنگی هانه...

دنیا به روایت تصویر



آسوشیتد پرس| جاده‌های برفی سوئیس

تا حالا دقت کردین



باخانمان

فلسفه مادران دیگران



مهید یسا صفری خواه
ا طنزپرداز

بچه که از مهد به خانه رسید لباس هایش را خودش در آور دو من محواسقلالش شدم. بعد دست هایش را شست و مثل یک بات پیشرفته تقاضای ناهار کرد. بچه‌های این دوره وزمانه آن قدر بد غذا هستند که وقتی غذا می خورند فکر می کنی غول چراغ جادو بزرگترین آرزوی تان را برآورده کرده است. با دقت عجیبی قاشق و چنگال را در دستش می گرفت، یادم نیست از کی تا حالا ما کارونی را دور چنگال می پیچدو می خورد، مثل آدم بزرگ‌ها. من تان جایی را به یاد می آورم که ما کارونی را هورت می کشید. بعد نشست پای تلویزیون و نیم ساعت کارتون تماشا کردو خوابید. آن قدر همه چیز عجیب بود که انگار خواب می دیدم. همیشه باید پای تلویزیون می نشاندمش و یک گوشی هم دستش می دادم و آرام آرام وطی هزار لقمه به او غذا می دادم.

من آدم فلسفه «مادران دیگران» نبودم، همان هایی که معتقدند بچه را اگر سنه نگه دارید تا خودش غذا بخور د. همیشه فکر می کنم آن ها عجیب هستند. استقلال بچه اتفاق عجیبی است. وقتی لازم نیست تا دستشویی همراهش بروی یا وقتی استرس نداری که حالا باید بروی و او را بشویی، فکر می کنی کلی وقت اضافی برای زندگی کردن داری، اما همیشه یک گوشه قلبت نگران سر خوردنش در دستشویی، تمیز نشستن خودش و کار تجسمی بعد از بیرون آمدن از دستشویی است. از مونا یاد گرفتم که توی دست و پایش نباشم، اما حواسم دور ادور به او باشد. مونا یکی از مادران دیگران است، البته نسخه متعادلش. برای همین پای حرف هایش می نشینم و کلی وقت اضافه هم جمع می کنم. تا همین مرحله دو تا هویج و سه تا جان اضافه به جان هایم اضافه شده و مادر سر حال تری هستم.

مادران دیگر، مادران عجیبی هستند. آن ها بین نسخه های دکتر هلا کوبی و هورمون مادرانگی در تردد هستند. در انتظار عمومی و انمود می کنند که وزن تربیت بر مبنای روان شناسی در کود کانه شان بیشتر است، اما در واقعیت چیزی را که دوست دارند از روان شناسان تربیتی کودکان می گیرند. بچه آن ها اگر به شما فحش دهد مورد سرزنش والدین شان قرار نمی گیر د و در نهایت بنا بر عدد سنش روی صندلی تنبیه در اتاق می نشینند و کودک سه ساله همه آن سه دقیقه روی آن صندلی به تلافی کردن و نابود کردن شما با روش های خلاقانه تری فکر می کند.

خبر خوب این است که بچه های مادران دیگران استقلال بیشتری دارند. خبر بد این است که شما هرگز هرگز هرگز نمی توانید از فرزندان آن ها انتقاد کنید. شاید برای همین است که امروز وقتی مربی مهد از دستخط دخترم ایراد گرفت زبان کوچیکه را از حلقش بیرون کشیدم. ظاهرا من در حال تبدیل شدن به یک مادر دیگرانی هستم!

شعر طنز

شوخی با برخی ابیات معروف



امیر حسین خوش حال
اشاعر و طنزپرداز

«آب در کوزه و ماتشنه لبان می گردیم» یار در خانه و ما با دگران می گردیم
گرفتم به روی هوا یک مگس «هنر نزد ایرانیان است وبس»
«نابرده رنج گنج میسر نمی شود» دیگر کسی از این سخنان ... نمی شود!
ز آجیل سهمت اگر کشمش است بیازا موری که دانه کش است!
«زاغکی قالب پنبیری دید» طفلی از قیمتش کمی ترسید



رویترز | ۵ میمون ما کاتوشیبه سازی شده که تازه به دنیا آمده اند، چین

تایخند

- ۶ ساله تلویزیون ال ای دی خریدیم ولی هنوز نصفه تصویر فیلم ها رو نمی بینیم... آخه بابام نمی داره بر چسب روش رو بکنیم!
- کاش کافه ها کنار قهوه هاشون ۲ تا خرما و ۴ تا شکلات و ۶ تا حبه قند هم بذارن... لامصب جوری تلخه که با شکر هم شیرین نمیشه!
- کاشکی صدا و سیما پوستر محصولاتی رو که می خواد موقع فوتبال زیر نویس کنه بده به ما که بز نیم تو اتاق مون کنار تلویزیون و هر لحظه بهش نگاه کنیم، ولی بعدش قول بده بی خیال اون پایین تصویر بشه!
- طبق پیش بینی «مهدی طارمی» ایران و قطر میرن فینال و ژاپن قهرمان میشه!
- شما سه تا ژاکت تنت کن، روش هم پالتو بپوش، شال و کلاه هم سرت کن... اگه مادر ت نگفت «لخت نرو بیرون بچه»، بیابزن تو دهن من!
- اگه رامین رضاییان هم قول تراشیدن موهاش رو بده، آرزومون برای قهرمانی تیم ملی دو چندان میشه!

دور دنیا

در جست و جوی اهدا کننده کلیه برای همسر



سی ان ان- عکس مردی با کوله پشتی که روی آن کاغذی است با این متن: «نیازمند کلیه B+ برای همسر هستم، لطفا با این شماره با من تماس بگیرید.» توسط کاربری در توئیتر منتشر و در کمتر از چند ساعت ۲۳ هزار بار باز نشر شد. «ریموند تا مپسون» مرد توی عکس و همسرش هیچ ارتباطی با فضای مجازی ندارند اما به محض این که تلفن های زیادی در باره آن عکس به آن ها شد، متوجه گسترش موضوع در فضای مجازی شدند. تا مپسون که مشغول انجام مقدمات پیوند کلیه همسرش است در واکنش به استقبال مردم گفت: «برای اهدای عضو ثبت نام کنید. بیماران زیادی متقاضی اندام ها به ویژه کلیه هستند. وقتی ما دو تای آن را داریم و فقط با یک کلیه می توانیم زندگی کنیم چرا آن را اهدا نکنیم؟»

خالق حیوانات سنگی که میلیونر شد



ای بی سی نیوز- «گری دال» در سال ۱۹۷۰ با ایده جالبی سنگ ها را رنگ آمیزی می کرد و به عنوان حیوان خانگی آرام و بی سرو صدا به قیمت ۳۹ دلار می فروخت! او با همین ایده ساده، در عرض ۶ ماه میلیونر شدو این ایده را به نام خودش ثبت کرد. گری در باره کارش می گوید: «حیوانات سنگی یک دوست و همراه ابدی خواهند بودو طول عمر زیادی دارند، بیمار نمی شوند و مطیع هستند.» در سال ۱۹۷۵ او بیش از یک میلیون از این حیوانات سنگی را در عرض یک ماه فقط در سانفرانسیسکو فروخت. این حیوانات که هنوز هم طرفدار دارد، از سنگ های ساحل مکزیک ساخته می شودو بسیار سبک است و سطح صافی دارد.

خواهران فداکار



دیلی میل- دو خواهر ۱۶ و ۱۸ ساله هندی از سال ۲۰۱۴ تا کنون تظاهر به پسر بودن کرده اندو با لباس و ظاهر پسرانه در جامعه ظاهر می شوند تا بتوانند در آرایشگاه پدر از کار افتاده شان که تنها منبع درآمد خانواده است، کار کنند. زمانی که پدر آن ها بیمار و فلج شد این دو خواهر، ۱۱ و ۱۳ ساله بودندو برای این که بتوانند به راحتی در آرایشگاه پدر کار و درآمد خانواده را تامین کنند و مورد آزار و اذیت هم قرار نگیرند، با تیپ پسرانه به کار در آرایشگاه مشغول شدند.

پاسخ مسابقه این کیه؟

رکور د پیامک های بی ربط شکسته شد!

سلام. این هم کاریکاتور کامل شخصیت مسابقه پیش، آقای علی ضیا، مجری تلویزیون که این روزها برنامه «فرمول یک» رو اجرا می کنه که خیلی طرفدار داره. این بار پیامک های متنوع خیلی زیادی داشتیم، از احسان علیخانی تا گلزار و مصطفی زمانی! از بین مخاطبان روزنامه و کانال «زندگی سلام» طبق قرعه نام خانم مریم صحرائیان از مشهد، انتخاب شد. بهشون تبریک می گیم و به امید خدا با مسابقه بعدی، عکس و کاریکاتور رو می تونید همین جا ببینید. خوش باشید.



ای بی ای| اسکیت خانوادگی روی حوضچه طبیعی یخ زده، هلند

تفال

خوش بسوز از غمش ای شمع که اینک من نیز

هم بدین کار کمر بسته و بر خاسته‌ام

با چنین حیرتم از دست بشد صرفه کار

در غم افزوده‌ام آتج از دل و جان کاسته‌ام

دی روزنامه

ببخشید که معذرت می‌خوام!

علیرضا کاردار
ا طنزپرداز

پس از این که پزشکی که در برنامه های تلویزیونی توی چشم آمده و به پشتوانه همین توانسته بود بلیت کنسرت زمزمه هایش را در چشم به هم زدنی بفروشد و بعد از این که در کنسرتش از سیستم فوق پیشرفته خواندن با دهان بسته رونمایی کرد، رامبد جوان در پستی که از صفحه اینستاگرامش پاک شد، از مردم برای معرفی این آقا عذرخواهی کرد. هنوز در شوک این عذرخواهی بودیم که در اقدامی متقابل (شیهه آینه آینه و قهر قهر گفتن دوران کودکی) آقای دکتر هم در صفحه اش از این که به خندوانه رفته بود، عذرخواهی کرد. یعنی اوضاع طوری شد که مات مانده بودیم در ایران زندگی می کنیم یا ژاپن که این طور پشت سر هم از ما عذرخواهی می کنند؟! هر چه باشد مهم دوستی هاست که می ماند و امیدواریم به زودی این دو دوست با هم آشتی کنند و بار دیگر برای رفاه حال مردم، آقای دکتر در برنامه های تلویزیونی ظاهر شود و این بار در کنسرتش حواش باشد جاهایی که صدایش پخش می شود، میکروفون را از دهانش دور نکند!

بگذریم، در این باره خیلی سخن گفته شده و بس است. نکته مغفول مانده این وسط رواج سنت فراموش شده عذرخواهی است که خوب است بیشتر به آن بپردازیم. مثلا همین الان اگر به فروشگاهی رفتید و دیدید قیمت ها نسبت به دوز قبل بیست در صد افزایش یافته، اول از مرغ و تخم مرغ (بستگی دارد که به وجود آمدن کدام یکی را اول می دانید) عذر بخواهید که هم قیمت گاو و گوسفند شده اند، بعد رو به فسه لبنيات کنید و از آن ها معذرت بخواهید که به دلیل گرانی نمی شود طرفشان رفت، بعد پای صندوق رفته و از کیف پول و کارت بانکی تان عذرخواهی کنید که دارید تنهایشان می گذارید، سپس از صندوق دار محترم که فاکتور را به دست تان می دهد معذرت بخواهید که برای دو قلم جنس و قتش را گرفتید، بعد که دارید قلم جنس را توی کیسه می ریزید، از پرندگان و خزندگان و آبزیان و دارو و دخت عذرخواهی کنید که برای این خرید مختصر با پلاستیک بهشان صدمه می زنید، بعد هنگام خروج به عابران توی پیاده رو «ببخشید» بگویید که جلوی چشم شان خرید کرده ایدو ممکن است به هوس افتاده باشند، بعد که داخل ماشین یا تاکسی و اتوبوس نشستید از مسئولانی که به خاطر این گرانی ها ناراحت هستند و شب ها خواب شان نمی برد یا می برد ولی به دل شان نمی چسبد، عذر بخواهید. به خانه رسیدید هم از همه اعضای خانواده معذرت خواهی کنید که نتوانستید فهرست خریدشان را بخرید و... به همین راحتی می توان در نصف روز آیین نیکوی عذرخواهی را ترویج کرد تا بلکه کمی دل مان خنک شود!

نشر اکاذیب

مدادرنگی غولانه



هفته گذشته زوج میان سال متمایل به کهن سالی که در جنگل های آمازون دنبال قارچ برای خورا ک قارچ شان می گشتند، به مورد عجیبی برخوردند که باعث تشکیک در یافته های دانشمندان شد. این زوج که عکس این مورد را منتشر کرده اند، می گویند در دل جنگل ها، جایی که پرند ه پر نمی زند و فقط مارهای آناکوندا و چند نوع گوریل ناباب با هم کلنجار می روند، مدارنگی هایی یافته اند که به اندازه تنه در ختان است. این زوج مدعی اند بنا به گفته بومیان این مدارنگی ها متعلق به بچه غول هایی است که در این منطقه زندگی می کنندو به زودی ظاهر خواهند شدو سر شوخی را با انسان ها باز خواهند کرد.

ماوشما

راه ارتباطی:
اما: پیامک ۲۰۰۹۹۹۷۶۴۳۹۴۴۰۹۳۵

* سلام آق کمال. هر روز چند نفر پیام می دارن تولد تبریک میگن. خواستم بگم یه وقت احساس تنهایی نکنی ها، من که روز تولدت رو نمی دونم ولی تولدت مبارک. ۱۲۰ سال واسه مون مطلب بذاری. مخلصت وحید عدالت آق کمال: آی قربون برار گلم وحید جان، ایشالا تویم ۱۲۰ سال زنده باشی و مطالب خونوک موره بخوانی! * مهسا جان و محمد آقا، پیوند خوشحال بشیم.

شیرین و جاودانه شما را تبریک می گویم و یک زندگی سراسر شادمانی، موفقیت و سلامتی از خدای بزرگ براتون آرزو مندیم. نسرین، سوسن و مریم بااذریان * من اسکار نگر فتم، چون فیلم بازی نکردم. همیشه خودم بودم... مسعود مجنونپور * ممنون که اهمیت می دین به پیامک ها و نظرها و انتقاد های بی جا و به جا رو چاپ می کنید تا خوشحال بشیم.